

ارلابلای یادداشت ها ونبشته های روزمره ام

توهمات تروریستی و شکل گیری ارزش های امریکایی آیا "طالب" ها قادر به ارائه ضمانت های امنیتی می باشند؟ برآمدهایی از توافقات اعلام نشده و پشت پرده

نحوه و چگونگی کانون مسلط سیاسی و فرهنگی در کشور
"طالب" های درونی و بیرونی و نبود انسجام
نبود بستر مناسب بمنظور جلب سرمایه
تغییر و تبدیل معادلات جهانی

واژه توهم بمعنای تخیلی و واهی است. اما مفهوم آن عبارتست از ساختن تصاویر در ذهن با ویژگی های غیر واقعی که وجود خارجی ندارند و در فرد متوهم روز بروز نضج کرده و پایگاه اجتماعی مستحکم را در ذهن فرد بوجود می آورند و با اینکه خواسته های غیر واقعی و تخیلی بوده و دستیابی آنها برای فرد میسر نیست، ولی از خصوصیات برخوردار هستند که ذهن را معتاد کرده و شدت آنها در فرد، سبب اختلال روحی و روانی و عقلانی میشود، بگونه ای که نه تنها پایگاه اجتماعی را خدشه دار می کنند، بلکه موقعیت ها و قابلیت ها را در زمینه های مختلف از افراد باز می ستاند. عالم توهم عالمی است که زندگی کردن در آن با اینکه نوعی مریضی روحی و روانی بشمار می آید و از واقعیت بدور است، می تواند فرد را از نیل بمقاصد واقعی باز دارد. اصولن، زندگی با واقعیت آغاز میشود و بر اساس واقعیت هاست که تصویری درست و منطقی را می توان از آن استنباط نمود. بر این بنیاد، در عالم واقعی هر هدفی میتواند موجود و نتیجه بخش باشد و باب این عالم برای افراد جهت انتخاب، همیشه باز است. زندگی کردن به روش عالم توهم انسان ها را با مشکلات عدیده ای اعم از روحی و روانی و حتا جسمانی مواجه می نماید. این افراد در جاده زندگی با موانعی مواجه میگردند که بعضی از مواقع منجر به منحرف شدن از جاده واقعی و سقوط در دره مرگ است.

قبل از طرح موضوع بمفهوم وسیع کلمه، تذکر این مسأله لازمی بنظر می رسد که هم ایالات متحده و هم روسیه، هر کدام بنوبه خویش، از نسخه ها و طرح های منحصر بفرد ارائه شده بمنظور برچیدن حاکمیت "تک حزبی" طالب ها و تعویض آنها با حکومت و حاکمیت فراگیر جانبداری و حمایت بعمل می آورند. در اینمورد باید علاوه نمود که مدتی قبل، وزارت امور خارجه روسیه اعلام نمود که در شرایط و وضعیت کنونی، هنوز سخن و حدیثی در مورد برسمیت شناختن حاکمیت کنونی برهبری "طالب" ها در دستور کار آنها قرار نداشته و پیشبینی در مورد یاد شده، ممکن با واقعیت های موجود سازگاری و همخوانی نداشته باشد. بر بنیاد اظهار نظرهای برخی ها، در افغانستان معضلات گوناگون و عدیده بشردوستانه موجود می باشد که بسیاری از کشورها را ناگزیر بایجاد و برقرار ری تماس و رابطه با نماینده های "طالب" ها می نماید. بخاطر باید داشت که بگمان اغلب دست اندرکاران مسایل مربوط بکشور ما، مانع اصلی برسمیت شناختن حاکمیت "طالب" ها، بگونه کلی، عدم نمایندگی آنها از کلیه شهروندان کشور محسوب می گردد، چه نه تنها نماینده های اقلیت های قومی و نژادی، بلکه هیچکدام از نیرو های سیاسی موجود کشور در مجموعه تشکیلات دولتی اصلن حضور نداشته و از مشارکت آنها در امور مربوط اصلن خبری در میان نمی باشد. چنین تصویری گردد که در صورت رعایت شرایط و ضوابط مطرح شده، بگمان اغلب که سازمان ملل در مورد برسمیت شناختن حاکمیت یاد شده تصمیم اتخاذ خواهد نمود. بگونه مشخص این

سازمان ملل است که در شرایط و وضعیت افغانستان پس از جنگ داخل اقدام شده و باحیای مجدد کشورما مبادرت ورزد.

پرسشی مطرح می گردد و آن اینکه در مورد قضایای مربوط بکشور عزیزما، کجای کار می لنگد و چرا ناهنجاری های سیاسی تا هنوز هم همچنان ادامه دارد؟ در مورد متذکره، واشنگتن چنین می اندیشد که بر بنیاد محاسبات بعمل آمده، مسکو مطمئن است کاصل حل و فصل قضایای موجود افغانستان، بدون سهمگیری "طالب"ها، در واقعیت امر، چندان دوام نخواهد آورد و همچنان تداوم دیالوگ و گفت و شنود با آنها، خطر بسط و گسترش ترور یزم در افغانستان و آسیای مرکزی را بحد اقل کاهش خواهد داد که در چنین وضعیتی، فدراسیون روسیه با آنده از گروه های "طالب" که طرفدار حل و فصل دیپلماتیک قضایای افغانستان می باشند، خواهان ایجاد تماس و تأمین ارتباط بوده و در عین زمان از تأمین ارتباط با آنده از گروها و دسته بندی هایی که به تشنج اوضاع دامن می زنند، بگونه جدی خودداری بعمل خواهد آورد. همچنان علاوه می گردد که ستراتیژی انتخابی مسکو با تمایل واشنگتن بمنظور تعامل با "طالب"ها، کاملن از هم متفاوت بوده که وضعیت اینچنینی را می توان بمثابة ایجاد تعادل و موازنه ای در قبال هژمونی ایالات متحده تلقی نمود.

اما واقعیت قضیه در این امر نهفته می باشد که واشنگتن، مذاکرات و گفتگوهای مشکل و نهایت مهمی را با "طالب"ها بمنظور فراخواندن نظامیان ایالات متحده از اراضی متعلق بکشورما انجام داد. اما در مجموعه داستان یادشده، طرح هایی موجود بود که تا کنون همچنان مبهم و ناشناخته می باشد. در شرایط و وضعیت کنونی، ایالات متحده از ایجاد تماس و برقراری رابطه با سیاستمداران مهاجر افغان در کشور ترکیه و از احتمال تدویر کنفر انسی با شرکت و سهمگیری آنها و حضور بهم رساندن برخی از رهبران "طالب"ها و همچنان با موجودیت برخی شخصیت های تأثیرگذار مقاومت ضد "طالب" بتاريخ ۱۵ ماه اگست (۲۴ ماه سرطان) سالروان بههدف آشتی و تساهل میان گروهای رقیب سیاسی و شکل گیری حکومت فراگیر در افغانستان خبر داد.

پیام اینچنینی توسط تام اویست نماینده ویژه رئیس جمهوری ایالات متحده در مورد افغانستان، انتقال داده شد. آیا واشنگتن در ترکیب و هماهنگی تحرکات یادشده موفق خواهد شد؟ ارانه پاسخ در مورد یادشده اندکی مشکل بنظر می رسد. تا اینجای کار می توان گفت که امریکایی ها باری دیگر بدورد جدید بازی در کشورما کشانیده شده اند که هدف اصلی آن بیاعتبار نمودن "طالب"ها بمفهوم وسیع کلمه و بی اهمیت جلوه دادن گروه تأثیرگذار "طالب"ها بمفهوم محدود کلمه بوده و بصراحت اعلام میگردد که "طالب"ها بشکل کنونی قادر بحل و فصل مشکلات موجود موجود نبوده و در مدیریت انکشاف کشور و تأمین ضمانتهای امنیتی برای منطقه و جهان ناتوان می باشند. از جانب دیگر، تام اویست از نبود علاقمندی و عدم تمایل ایالات متحده در اقدام مسلحانه علیه "طالب"ها نیز یاد آور شد. مخالفان در افغانستان نیز یاد آور شدند که تصور نمی نمایند که سرنگونی "طالب"ها در وضعیت کنونی به نتایج مثبتی منجر گردد.

از نقطه نظر تنوریکی می توان چنین فرض نمود که در مورد یادشده، چون روسیه و امریکا خواهان برچیدن دیکتاتوری تک حزبی "طالب"ها و تعویض آن به حکومت فراگیر در کشورما می باشند، بر این بنیاد، می توان باصل همکاری میان کشورهای نامبرده امیدوار بود. در عین زمان، این واقعیت عملن باثبات رسید که ایالات متحده در نظر دارد تا بمثابة مجری "بازی بزرگ" در کشورما مبدل گردد. با در نظر داشت جوانب مختلف پیامد های اقدامات غربی ها پایست یاد آور شد که قبل از همه و در گام نخست، ایالات متحده بمثابة عامل فروپاشی اقتصاد کشورما پنداشته می شود. همه باین امر معترفند که در امر ویرانی اقتصاد کشور، این ایالات متحده بود که با انجام و سرهم بندی برنامه های پشت پرده، جنگ و درگیری های مسلحانه در کشورما را براه انداخت. موضوع یادشده، بتاريخ ۲۶ ماه جوزای سالروان، در جریان کار اجلاس عمومی سازمان ملل در مورد حقوق بشر در ژنیوا اعلام گردید.

ناظران امور مربوط بوضعیت و چگونگی اوضاع سیاسی - اجتماعی کشورما معتقدند که بار بزرگ احیای مجدد افغانستان پس از جنگ بر عهده امریکا و متحدینش قرار داشته و آنها اند که پاسخگوی عواقب راه اندازی درگیری های مسلحانه و افروختن آتش جنگ در سرزمین متعلق بافغان ها، ایجاد بی ثباتی اقتصادی - سیاسی و تبدیل کشورما به مهد ترور یزم و مواد مخدر پنداشته می شوند. واشنگتن پس از ۲۰ سال جنگ و درگیری های ویرانگر مسلحانه، کشورما را به سرنوشت نا معلوم رهأ نموده، دارایی های بانکی افغان ها را منجمد و شهروندان افغانستان را به فقرو تنگدستی و موجودیت ویرانی های بی شمار ناشی از درگیری های مسلحانه محکوم نمود.

این واقعیت بهمگان واضح و مبرهن می باشد که گروه‌های "القاعده" و "طالب" ها توسط ایالات متحده و بکمک مستقیم مجموعه های نظامی - سیاسی آنکشور شکل گرفته و بمنظور دستیابی با اهداف ژئوپولیتیکی آنها به میدان کارزارهای مسلحانه دیسانت گردیدند. قابل یاددهانی پنداشته می شود که تمامی کشورها بمفهوم وسیع کلمه، بایست با کلیه نیرو و توان علیه تروریزم بین المللی وارد نبرد و مبارزه بی امان گردند. جامعه جها نی می تواند با اقدامات جمعی و مشترک و ایجاد و شکل گیری جبهه متحد ضد تروریستی درزمینه یادشده موثر و مفید واقع گردد.

متذکر باید گردیدکه هسته بندی های تروریستی ایجاد شده توسط ایالات متحده بمثابه ابزار درزرادخانه جنگ های ترکیبی کشورهای غربی و توسعه اقدامات بمنظور دستیابی با اهداف غارتگرانه شان، مورد استفاده وسیع و گسترده ای قرار می گیرد. با وجود تضعیف و کم رنگ شدن اثرگذاری و نفوذ تروریست ها در سوریه و عراق، اما آنها بانجام فعالیت ها و عملکردهای فاجعه بارشان مبادرت ورزیده و با تغییر تاکتیک های شان، در بخش های دیگری بوسعت و گسترش فعالیت های شان همچنان ادامه می دهند. بخاطر باید داشت که بیشترین بخش جوانان در تطبیق عملی برنامه های گروه های یادشده سهیم می گردند. تولید و قاچاق مواد مخدر، تجارت سلاح و... نیز شامل فعالیت های آنها می گردد. اما نباید فراموش نمود که ایالات متحده از موجودیت و حضور تروریست های "داعش" بمنظور دامن زدن بی ثباتی درکشورما بگونه ناجایزی استفاده نموده و درصدد آن می باشد تا شهروندان کشورما را در بحران بی سابقه ای غوطه ور نموده، درگیری های قومی - مذهبی را در کشورما شعله ورنموده و با استفاده از چنین وضعیتی، برفشارهای مورد نظر مقامات رسمی در کابل بیافزاید، اما هنوز هم حاکمیت کنونی درکشورما دروضعیتی قرار ندارد تا درتأمین ثبات درکشورما اقدام آنچنانی متوسل گردد. بگمان غالب که ایجاد و شکل گیری حاکمیتی فراگیر که دربرگیرنده همه اقشار و طبقات اجتماعی و گروه های قومی و نژادی باشد، سبب ساز ایجاد ثبات و استقرار صلح سراسری درکشورمی گردد.

مدتی قبل، وزارت امنیت داخلی ایالات متحده اعلام نمود که واشنگتن در صدد کاهش موارد مرتبط به "مبارزه با تروریزم" بوده تا بدینوسیله و قبل از همه بمنظور تخلیه افراد و اشخاص در معرض تهدید و خطر، فرصت کافی داشته باشد. همچنان، کارمندان امور مهاجرت اصرار ورزیدند که جوبابیدن بایست وضعیت را بگونه ای مدیریت نماید تا قبل از همه، بیاری آنعه از شهروندان افغان که در امتداد زمانی دوده امریکاییان را در داخل کشور کمک و همکاری نمودند، بشتابند.

همچنان یادآوری بعمل آمده تا معلمان، دکتوران، انجیران و سایر گروه های افغان که با امریکایی ها در امتداد زمانی موجودیت نظامیان آن کشور در افغانستان، همکاری نمودند، باید از وضعیت کنونی رهایی یابند. همین اکنون، هزاران تن از افراد و اشخاص در معرض تهدید، منتظر تخلیه از افغانستان می باشند.

در اوایل ماه روان، دستیار قبلی معاون وزارت امور خارجه ایالات متحده ورونالد نیومن سفیر قبلی ایالات متحده در کشورما، در مورد بازنگری رویکرد ایالات متحده در قبال "طالب" ها از جوبابیدن در مورد آغاز تعامل با گروه یادشده اصرار ورزیدند، موضوع متذکره از طریق نشرات تلویزیون بین المللی افغانستان نیز به نشر رسید.

در اینمورد دو تن از کارمندان دولت قبلی متذکر گردیده یادآور شدند که سقوط حاکمیت "طالب" ها به جنگ داخلی منجر خواهد گردید. چنین سقوطی بروفق مراد ایالات متحده نبوده و همچنان، بازتاب دهنده منافع گروه یا گروه های جانشین "طالب" ها نیز نخواهد بود. بر بنیاد اظهارات یادشده، سقوط "طالب" ها منجر به برهم خوردن اوضاع گردیده و زمینه زد و خوردهای مسلحانه در داخل کشور را بیش از پیش مهیا نموده و شرایط مساعدی را بمنظور حضور تروریست ها در کشور فراهم خواهد نمود. هواخواهان ضد "طالب"، خواهان آنند تا بررسی مشخصات کلی جبهه مقاومت ملی بمثابه "درخشش مقاومت" توصیف گردد. اما هنوز از نقطه نظر نظامی، ظرفیت هایش را بنمایش نگذاشته است. بسیاری ها هم چنین می پندارند که سقوط "طالب" ها در سال های نزدیک بدلیل اشتباهات خود شان، اتفاق خواهد افتاد.

اما از جانب دیگر، پیترسون و نیومن بدلیل شناخت نسبی از وضعیت موجود و اوضاع عمومی کشورما، از اداره واشنگتن مطالبه نمودند تا نوع فعالیت ها و نحوه عملکردهایش در افغانستان را محدود به ارانه کمک ها و معاونت های بشردوستانه ننموده و در صورت لزوم، مانند برخی از کشورها، حضورش را بگونه غیر رسمی حفظ نماید. بر بنیاد اخبار به نشر رسیده، ایالات متحده در پاسخ بامتناع بازگشایی مدارس متوسطه برای دختران، تماس های محدودش با "طالب" ها در دوحه را قطع نمود.

دوتن از کارمندان قبلی اداره واشنگتن، از دولت آنکشور مطالبه مینمایند تا ایالات متحده با رهبران کنونی "طالب" ها در کندهار باب مذاکره و گفتگو را بمنظور دستیابی به نیازهای مورد نظر، بگشاید. آنها، کارمندان رسمی "طالب" ها در کابل را وزرا و کارمندان فاقد صلاحیت پنداشته و آنها را بمثابة نماینده های تام الاختیار بحساب نمی آورند.

ایالات متحده امیدوار است تا "طالب" ها در صورت لزوم، عملکردها و فعالیت های "القاعده" و "داعش" در اراضی متعلق به افغانستان را متوقف نمایند، اما بگفته واشنگتن، کوچکترین تحرکی در تغییر سیاست "طالب" ها و اندکترین تحویلی در موضعگیری های آنها اصلن بمشاهده نمی رسد.

این واقعیت مانند آفتاب واضح و روشن می باشد که ایالات متحده وناتو تلاش می ورزند تا از زیر بار مسؤلیت وضعیت کنونی کشورما شانه خالی نموده و بگونه ریاکارانه، اوضاع کنونی تکوین پذیرفته در کشورما را بر عهده جامعه جهانی قرار دهند. این را همه باید بپذیرند، آنهایی که درویرانی کشورویخاک و خون کشانیدن شهر وندان آن مقصراند، باید در اوضاع واحوال بحرانی کنونی کشورما، پیشگام گردیده و بمنظر اعمار مجدد افغانستان با اقدامات عملی و مؤثری مبادرت ورزند. رفع بحران موجود در کشور و انجام اقدامات سازنده در مورد، بایست درالویت قرار داده شود.

در نهایت امر، به شهروندان کشورما که اصلن هیچگونه ارتباطی با اقدامات تروریستی ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده نداشتند و اما بادعای میان خالی ارتباط با حملات تروریستی یادشده، باصطلاح امریکایی ها توبیخ گردیدند، باید غرامت پرداخته شود.

همه ناظران امور با این امر موافق می باشند که بویژه در امتداد شش ماه پسین، بحران اجتماعی - اقتصادی در کشور بیش از پیش تشدید گردیده و شهروندان کشور در برزخ مرگ وزندگی دست و پا زده و برای زنده ماندن تقلاً می نمایند.

کشورهای کمک کننده غربی باید بیش از این از حدس و گمان در مورد قضایای کشورما خودداری بعمل آورده، سرمایه های منجمد شده بانک مرکزی کشور که متعلق بهمة افغان ها می باشد، به مالکان اصلی آن برگردانده شده و برنامه های شان را بمنظور اعمار مجدد کشورما، هماهنگ نمایند تا وضعیت و اوضاع اجتماعی - اقتصادی دی کشور بحالت عادی برگشته و بیش از این از تشدید و تعمیق بحران بشری در کشور عزیزما جلوگیری بعمل آید.

باز هم بگونه مجدد تکرار می گردد که در مورد وضعیت کشورما، مسؤلیت عمده بر عهده کشورهای سنگینی می نماید که بر اراضی کشورما از هوأ و زمین تجاوز نموده و آتش درگیری های مسلحانه ۲۰ ساله در کشورما را فروزان نگه داشتند. آتشی که شعله ور بوده و از کنج و کنار کشور همچنان زبانه می کشد.

ممکن در مورد آرامش وتأمین امنیت در کشورما سخنان نغز و سخنرانی های بلند بالایی بزبان آورده شده و تمینا تی در زمینه ابراز گردد، اما پیکر مجروح افغانستان و روان شهروندان رنج دیده کشورما بیش از این تحمل رنج و مشقت بیشتر را نداشته، قبل از همه بر جراحات وارده درگیری های بیست ساله آغاز شده توسط غربی ها که بنحوی تاکنون همچنان ادامه دارد، بایست مرحم گذاشته شود.

در نهایت امر، بایست متذکر گردید که جو بایدن در مورد بدترین تحقیر ستراتیژیک ایالات متحده هشدار داد. چه در کنار سایر مسایل موجود، بحران اکرانین بسمت و سویی در جریان است که پارتباط آن، ایالات متحده و هم پیمانان ناتوی آن کشور، وضعیت ناگوار دیگری را پس از تحقیر خروج بی سروپا و پراکنده از کشورما تجربه می نمایند.

نظامیان ناتو چنین اظهار نظر می کنند که رخت سفر بستن باعجله نظامیان ایالات متحده از افغانستان در امتداد سال پار، بمثابة شوکی برای ناتو پنداشته شده و اصل موقعیت ایالات متحده بمثابة رهبر "جهان آزاد" را مورد پرسش قرار داد. اما در امتداد سال پار ایالات متحده و هم پیمانانش در قبال حوادث و درگیری های مسلحانه در اکرانین با افتضاح دیگری مواجه گردیدند.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که بتاريخ ۱۶ ماه جون سالروان، رهبران کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا و رومانیا بگونه نمادین پشتیبانی و حمایت شان را از اکرانین مطابق تقاضای زیلینسکی رئیس جمهوری آنکشور در مورد تحویلی تسلیحات سنگین بآن کشور ابراز نمودند.

شنبه ۴ ماه سرطان سال ۱۴۰۱ خورشیدی